

ضرورت احیاء و زنده کردن فرهنگ انتظار

طاهره احمدلو^۱

چکیده

مسئله انتظار و امید به قیام یک مصلح جهانی، که به وضع دردناک جامعه ی بشری نظم دهد و تبعیض ها، نا عدالتی ها، جنگ و کشتار و فسادها را از محیط زندگی انسانها نابود کند، یکی از موضوعاتی است که ادیان و مذاهب دیگر روی آن تاکید می کنند. باینکه، انتظار برای ظهور منجی در گذشته های دور تاریخ ریشه دارد و علاوه بر ادیان و مذاهب، خیلی از مکتب های فلسفی، عرفانی و اجتماعی نیز به اهمیت یا حقیقت آن قائل هستند، در هیچ یک از آنها مسئله انتظار و منجی به اندازه مکتب تشیع محکم، روشن و پویا نبوده است. در مقاله پیش رو که به شیوه کتابخانه ای گردآوری شده و به به شکل توصیفی - تحلیلی می باشد، بحث انتظار و ضرورت زنده نگه داشتن فرهنگ انتظار را بررسی و آثاری که از زنده نگه داشتن این فرهنگ حاصل میشود همچون: لزوم تجدید حیات فرهنگی و فکری، ضرورت خارج شدن از موضع انفعالی در وقت غلبه فرهنگ و تمدن غیر خودی، ضرورت اتکاء به حجت در طی راه، احیاء و برپایی کردن عدالت میان مردم، مواظبت از موارث فرهنگی که هر یک اشاره و پرداخته شده است.

کلیدواژه ها: ضرورت ، احیاء ، فرهنگ انتظار ، جامعه اسلامی.

^۱. طلبه سطح ۲ ، حوزه علمیه خواهران المهدی ، شهر اندیشه.

مقدمه

زمان، زمان انتظار و انسان منتظر می باشد؛ یعنی زمان آمادگی، تهیه زمینه و بوجود آوردن شرایط برای آنچه که انتظار داریم و چشم به راه آن هستیم. انتظار، مفهومی اسلامی و ارزشی فرهنگی دارد که از آن، رفتار فرهنگی معینی نشأت می شود و قریب به هزار و صد سال هست که در زندگی شیعیان ریشه خود را پهن کرده است.

موضوع انتظار به شکل مؤثری در چارچوب اندیشه‌ی سیاسی و انقلابی ما دخالت داشته است. اگر بدون عامل انتظار به تاریخ سیاسی و انقلابی با دقت نگاه کنیم، این تاریخ بلند، جایگاه دیگری پیدا خواهد کرد. اکنون می توان فهمید که جامعه منتظر باید چه خصوصیتی را در خود بوجود آورد و در چه شکلی باید به سر برد، تا بتواند با انقلاب نوین و تحولات آن سازگار باشد و آن ضوابط را قبول کند و به آن شکل ها درآید و براساس قوانین و آیین جدید رفتار کرده و عضوی مناسب برای جامعه جدید باشد.

در حقیقت انسان منتظر اصول تحریف شده زندگی و همه اساسهای موجود را متحول و تفکرات شیطانی را باطل خواهد کرد و اندیشه ها و فکرهای نو، برای ایجاد زندگی جدید خواهد آورد و اساس زندگی را برپایه ای غیر از آنچه که مشاهده شده است بنا خواهد کرد و انقلابی اصولی و در تمام بخش های اجتماعی بوجود خواهد آورد؛ پس باید برای آن دوران و آن روش ها و اصول آماده بوده و آن طور که هست، گرایش ها و انتخاب ها را در خود بوجود آوریم.

بر هیچ کس پنهان نیست که بحرانهای اخلاقی، زیست محیطی، اقتصادی، هویتی، غلبه خشونت بر مناسبات اجتماعی مردم جهان، فقر روز افزون و... محصول قرن ها قدرت طلبی بشر در عرصه فرهنگ و تمدن است. از همین رو است که، انسان ها تفکر خود را معطوف حق و موعودی آسمانی کرده اند. بحث در مورد مهدویت و زنده کردن اندیشه و فرهنگ انتظار تکلیف تمام انسان ها بوده، به طوری که در زمان غیبت و تا به لحظه وقوع ظهور امام زمان (عج)، به آن مکلف و متعهد هستیم و غافل شدن از این فرهنگ، غفلت از جان مایه و عصاره اندیشه تشیع است. برای نشان دادن ضرورت « احیاء فرهنگ انتظار » و چگونگی آن دلایل بسیاری می توان بیان کرد. دلایلی که هریک ناظر بر صورتی از حیات فکری، فرهنگی و درنهایت

مناسبات مادی انسان ها در شرایط حاضر می باشد. بی شک ، اگر تا به این حد از این مسئله مهم غفلت نمی شد؛ وضع و حال و روز مسلمانان به این شکل که امروز هست نبود. حال سوال اصلی این است که ضرورت احیاء فرهنگ انتظار چیست؟ و در صورت احیای این فرهنگ کارکرد اخلاقی و ارزشی انتظار چیست؟ آثار حاصل از زنده نگه داشتن این فرهنگ و موانع آن کدامند؟ با نگاهی به پیشینه تحقیق می توان گفت که در مورد انتظار و مهدویت کتب و مقالات ارزنده ای نگاشته شده است که می توان به :

۱- کتاب «تبیین فرهنگ انتظار» از حمید پور عیسی ۱۳۸۶ش؛ انتظار، آمیزه‌ای از ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت و ظهور امام زمان (عج) یا موعود آخرالزمان است. مهم‌ترین اصل و ویژگی فرهنگ انتظار تامل و اندیشیدن و معرفت یافتن نسبت به منتقد و آگاهی به امری مهم همراه با فلسفه وجودی حضور اوست؛ که نخست اقامه‌ی عدل و داد و دیگر اجرای قوانین الهی و عمق بخشیدن به احادیث ائمه‌ی اطهار (علیه السلام) در سایه عدالت است.

۲- کتاب «فرهنگ انتظار (سبک زندگی شهروند منتظر)» از حسین آزادانا ۱۳۹۴ش؛ نویسنده با توجه به آرمان‌های مهم مهدویت، به نویدهای مختلف برای شیعیان برای دستیابی به دنیایی آباد و به دور از ظلم و فساد در روایات اشاره کرده و الگو و تصویری جامع و زندگی‌ساز بر اساس تعالیم مربوط به مهدویت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ترسیم نموده است.

۴- پایان نامه «نقش فرهنگ انتظار در تربیت جامعه» از فاطمه کازرانی ۱۴۰۰ش؛ در تحقیق پیش رو نقش فرهنگ انتظار در تربیت جامعه اسلامی با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب با روش توصیفی تحلیلی بیان شده است و اثرات فرهنگ مهدویت در زندگی شیعه منتظر و اجتماع مؤمنین بیان گردیده است.

۵- مقاله «نقش فرهنگ انتظار در خروج از روزمرگی» از زهرا خرائی ۱۴۰۱ش؛ انتظار و ظهور دولت حق و عدل نیز باعث شور و اشتیاق فراوان برای رسیدن به مقصود و موجب تلاش و کوشش جوی برای دستیابی به خواسته هاست. برای انتظار باید کوشید، تلاش کرد، مرحله ها را پشت سر گذاشت و گوهر دل را به جلوه انتظار نشانده که هر فعل منتظر درسی از درس ها برگزیدگان الهی است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- فرهنگ

واژه فرهنگ در کتب لغت فارسی علاوه بر علم، فضل، دانش، عقل، ادب، تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش به معنای شاخه درختی است که آن را خوابانده و بر آن خاک بریزند تا ریشه دهد و بعد از آن به جای دیگر نهال کنند.^۱

فرهنگ در اصطلاح نیز دارای معانی و مفاهیم متعددی است و در طول تاریخ معانی مختلفی را به خود گرفته است از جمله: مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، فضیلت، شکوه‌مندی، هنر، حکمت و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی.^۲

دو انسان‌شناس امریکایی به نام‌های "کروبر" و "کلاکن" ۱۶۴ تعریف از فرهنگ را جمع‌آوری کرده و در کتاب خود به نام "فرهنگ بازبینی سنجش گرانه مفهوم و تعریف‌ها" (۱۹۵۲) جای داده‌اند. فرهنگ یا تمدن، کمیت در هم پیچیده‌ای است که شامل دانش، دین، هنر قانون و اخلاقیات آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی چون همانندی از جامعه به دست می‌آورد.^۳

۱-۲- انتظار

انتظار، در لغت به معنی چشم به راه بودن و نگران بودن می‌باشد.^۴ و از منظر روان‌شناسی، کیفیتی روحی بوده، که موجب پیدایش حالت آمادگی است برای آنچه انتظار می‌رود^۵ و نقطه

۱. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه فرهنگ.

۲. صاحبی، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، ج ۱، ص ۶۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۵۳.

۴. تاج العروس، زبیدی، ج ۷، ص ۵۳۹.

۵. فرهنگ فارسی، معین، ج ۱، ص ۳۶۴.

مقابل آن یأس و ناامیدی می باشد.^۱ و از نظر اصطلاحی به معنای اعتقاد به این می باشد که پایان تاریخ با عدالت و سعادت جهانی همزمان خواهد بود.

بعضی ها، ماهیت انتظار را به این شکل معنا کرده‌اند: «کیفیتی روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آن چه انتظار دارند، شده و ضد آن یأس و ناامیدی می باشد. هر اندازه انتظار بیش‌تر باشد و هر چه شعله آن افروخته تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی آن و در نهایت آمادگی نیز زیاد خواهد بود.»^۲

این نکته نیز قابل اشاره است که، انتظار همچون احساس خوشحالی، درد یا تشنگی، امری وجدانی می باشد؛ یعنی نمی‌توان آن را بیان کرد یا توضیح داد. معنای انتظار، تنها برای فرد منتظر، روشن و آشکار بوده و اگر شخصی هیچ‌گاه حالت انتظار را نپسیده باشد، با توصیف و توضیح، نمی‌توان معنای انتظار را برای او مشخص کرد؛ فقط می‌توان با مثالی یادآوری کرد که، آن موقعی است که یکی شخصی به سفر رفته و شخص از او خبر نداشته و گفته باشد تا فلان زمان باز می‌گردد، آن حالت وجدانی که پیش از آمدن آن برای شخص ایجاد شده باشد "انتظار" گفته می‌شود.^۳

۲- مفهوم فرهنگ انتظار

نزدیک به هزار و صد سال است که انتظار در زندگی انسان ریشه فرهنگی خود را ایجاد کرده است؛ زیرا غیبت صغری در سال ۳۲۹ هـ به سرانجام رسید و از آن موقع تقریباً هزار و صد سال گذشته است. در طی این مدت، موضوع انتظار به شکل مؤثری در ساختار اندیشه‌ی سیاسی و

^۱ . موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۱۸.

^۲ . همان، ج ۲، ص ۲۱۸.

^۳ . بنی هاشمی، انتظار فرج، ص ۲۷.

روزی به این درجه از شناخت برسیم که از عمق جان تمنای تجدید حیات فرهنگی کنیم، مهدویت به عنوان جان مایه تفکر دینی و شیعی، فقط نقطه اتکاء ما برای بازگشت به آن هویت مکتوم و مستور می باشد.^۱

۶-۲- خروج از موضع انفعالی در وقت غلبه فرهنگ و تمدن غیر خودی

در زمانی که، انفعال گام ها را در زمان رویارویی با فرهنگ و باور بیگانه و غیر خودی سست می کند و تاثیر پذیری، هر نوع اراده مستقلی را به مسلخ می کشاند؛ تمام استعدادها، نیروهای جوان و فعال و تمام سرمایه های مادی و معنوی در برابر هجوم تندباد مسموم قد خم می کنند. همان طور که، ناخواسته نوعی خجلت از اظهار و معرفی سرمایه های فرهنگی رخ نشان می دهد، در چنین زمانی گوناگونی مسیر و خارج شدن، احیاء فرهنگی است که تمامیت صورت و سیرت فرهنگ و تمدن غربی را با محک خویش به نقد کشانده و مقامش را نشان می دهد.^۲

۶-۳- اتکاء به حجت در طی طریق

امید داشتن به حجت های غیر الهی، موجب ایجاد تشمت در تمام زمینه ها و ایجاد ناامنی شده است. تمام حجت های غیر معصوم و غیر الهی، فقط جمعی از مردم را به دور خویش جمع می کنند و پاسخگوی بخشی از وجود معنوی و مادی حیات می شوند. اما اگر خصوصیات خلقی و خلقی امام زمان (علیه السلام) و تکیه ایشان به منبع ناب نبوت، ولایت، عصمت و علم، تاریخ و فرهنگ غنی از سخا، شجاعت و جوانمردی منصفانه و درست فراروی جوانان این سرزمین گذاشته شود از ایشان حجتی برای بودن و رفتن درست می کند؛ چنان که، به حقیقت حجت نیز می باشند.^۳

۶-۴- احیاء و اقامه عدل در میان مردم

اکثر مردم بیزار از ظلم همه گیری می باشند که، نسل در نسل آنان را اذیت کرده است. آنها در میان اقیانوسی سرشار از دیوانگی و بی عدالتی، تشنه کام زلال عدالت هستند. از آنجا که، اکثر مردم، گروه ها، مدعیان و به ظاهر مصلحان و خیرخواهان به بهانه برپایی عدل آمدند و در

^۱ . همان ، ج ۲، ص ۳۷-۴۰

^۲ شفیع سروستانی، برآشت از استراتژی انتظار، ج ۲، ص ۴۲-۴۰

^۳ همان ، ج ۲، ص ۴۳-۴۲

آخر جز به پر کردن جیب های خود فکر نکردند و ترویج دهنده ظلم و بی عدالتی شدند، دیگر کمتر کسی، ادعای عدالت خواهی و ظلم ستیزی را از فرقه ها و نحله ها قبول یا باور می کند. فرهنگ انتظار، فرهنگی می باشد که « واژه عدل » را امام خود قرار می دهد و بلافاصله در نسبتی واقعی با امام عدل و سلسله امامان هدی مردم را به تجربه عدالت دلخوش و امیدوار می کند. زنده کردن این فرهنگ در ذات خود پاسخگوی نیاز زمانی است که در ظلم و بی عدالتی فرو می روند. زنده کردن واژه عدل ، زنده شدن فرهنگ انتظار، ضرورت احیاء عدل ، اهمیت گفتگو درباره امام زمان « عج » ، و امام عدل را آشکار می کند.^۱

۶-۵- حراست از موارث فرهنگی

میراث تمام پیامبران به پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) منتقل شد و ایشان حافظ و حامل تمام میراث پیامبران شدند و بعد از ایشان تمام این میراث و همه سنت های مرتبط با آن به ائمه هدی (علیه السلام) انتقال پیدا کرد تا آن که، به امام زمان (علیه السلام) رسید. آخرین وصی پیامبر (صل الله علیه و آله) به عنوان خاتم اوصیاء تمامیت حقیقت دین و سنت و سیره نیک و مورد رضای خالق هستی را متجلی خواهد کرد.

بیان نام بلند حضرت و زنده کردن فرهنگ انتظار تمام میراث و سنت ها را به نسل جوان منتقل می کند و نام بلندی که قلب ها را یاد می کند و همت جوانان را به رویارویی بزرگ می خواند.

نباید زندانی کردن تمام سنت ها و اشیاء باقی مانده از دوران کهن در جعبه های شیشه ای موزه ها و تالارها را، نگهبانی از میراث فرهنگی عنوان کرد و در عمل و نظر به سمت و سوی عالم غربی پناه برد. این عین جدایی و دوری است و نگهبانی از میراث فرهنگی و احیاء نیاز به قطب میانی و محور مراجعه و حجت شناخته شده دارد و آن حجت مهدی موعود (علیه السلام) می باشد.^۲

^۱ شفیع سروستانی، تلخیص از ص ۴۳

^۲ شفیع سروستانی، برداشت از استراتژی انتظار، ج ۲، ص ۴۴-۴۵

۷- نتیجه گیری

انتظار، حالتی نوید دهنده و رهایی بخش است که منتظران را در زمان سیاه غیبت از گرداب پرشانی، تردید و ظلمت نجات می دهد و انسان ها را به طرف منشاء نور هدایت می کند. بحث از مهدویت و زنده کردن اندیشه و فرهنگ انتظار تکلیف مسلمان ها است، همان که، در زمان غیبت و تا به هنگام ظهور امام زمان (عج)، به آن مکلف و متعهد می باشیم، غافل شدن از این فرهنگ، غفلت از جان مایه و عصاره تفکر شیعه می باشد؛ زیرا که، این تکلیف بزرگ را تبدیل به مجلس جشنی کرده ایم تا همه ساله در نیمه شعبان وقتی برای عیش و عقد و عروسی و شادیمان باشد و نه وقتی برای متذکر کردن خود و دیگران. برای نشان دادن ضرورت « احیاء فرهنگ انتظار » و چگونگی آن دلایل زیادی وجود دارد. دلایلی که هریک ناظر بر شکلی از حیات فکری، فرهنگی و درنهایت مناسبات مادی در شرایط کنونی است. در این مقاله، تلاشی هر چند کوتاه در بیان درست ضرورت احیاء فرهنگ انتظار است. در نتیجه به شکل اجمال و مختصر، مواردی را به عنوان ابعاد اصلی ضرورت احیاء فرهنگ انتظار بیان می کند که این موارد شامل: تجدید حیات فرهنگی و فکری، خارج شدن از موضع انفعالی در وقت غلبه فرهنگ و تمدن غیر خودی، اتکاء به حجت در طی راه، احیاء و برپایی کردن عدالت میان مردم، مواظبت از موارث فرهنگی که هر یک اشاره و پرداخته شده است.

منابع

*قرآن کریم.

۱. الکاتب النعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر، **غیبت نعمانی**، ترجمه محمد جواد غفاری، چاپ دوم، نشر صدوق، ۱۳۷۶ ش.
۲. بنی هاشمی، سید محمد، **انتظار فرج**، تهران: انتشارات منیر، ۱۳۹۰ ش.
۳. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: نشر کیهان، ۱۳۷۵ ش.
۴. جواد آملی، عبدالله، امام مهدی؛ موجود موعود، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۵. حویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نورالثقلین**، بیروت: دارالتفسیر، ۱۳۸۳ ش.
۶. خمینی، روح الله، صحیفه نور، چاپ پنجم، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ ش.
۷. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه، پاییز ۱۳۷۲ ش.
۸. رهنمایی، احمد، درآمدی بر مبنای ارزش ها، چاپ دوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ ش.
۹. زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس**، نشر دارالفکر، لبنان، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. شفیعی سروستانی، اسماعیل، **استراتژی انتظار**، ج ۱، ۲، ۳، چاپ ششم، تهران، نشر موعود عصر، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. شفیعی سروستانی، ابراهیم، **انتظار بایدها و نبایدها**، چاپ اول، تهران، موعود، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. شریعتی، علی، انتظار؛ مذهب اعتراض، تهران، نیایش گران وحدت، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، نشر مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. صداقتی فرد، مجتبی، جامعه شناسی، چاپ پنجم، تهران: ارسباران، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. صاحبی، محمد جواد، **مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (طبع و نشر)، ۱۳۸۴ ش.

۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
۱۷. طبسی، نجم الدین، «درنگی در روایات قتل های آغازین دولت مهدی»، فصل نامه انتظار، ش ۶، ۱۳۸۱ش.
۱۸. طالقانی، سید حسن، کتاب شیخ صدوق (ره)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ش.
۱۹. عزیزی، حمید، آیا ظهور امام زمان نزدیک است؟، قم، شمیم گل نرگس، ۱۳۸۳ش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران: انتشارات دارالکتب، ۱۳۹۳ش.
۲۱. کوهن، بروس، *مبانی شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶ش.
۲۲. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، *مکیال المکارم*، فی الفوائی الدعا للقائم، ج ۱ و ۲، ترجمه مهدی حائری قزوینی، چاپ اول، انتشارات کامکار، ۱۳۸۳ش.
۲۳. معین، محمد، *فرهنگ معین*، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، چاپ دیبا، تهران، انتشارات نامن، ۱۳۸۶ش.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، ج ۵۱، ۵۲، ۵۳، چاپ سوم، بی جا، کتابچی، ۱۳۷۰ش.
۲۵. متقی زاده، زینب، *مقاله آسیب شناسی فرهنگ مهدوی در عصر جهانی شدن*، *مجله انتظار موعود*، شماره ۳۱، ۱۳۸۸ش.
۲۶. *ماهنامه موعود* شماره های ۴۱، ۴۸، ۵۳، ۵۹، ۷، ۷۷، ۸۰، ۸۶ و ۹۲.
۲۷. محمد اشتهاردی، محمد، *مفهوم انتظار و اهمیت آن*، ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۱۸۱، ۱۳۷۵ش.
۲۸. _____، *حضرت مهدی فروغ تابان ولایت*، چاپ سوم، قم، چاپ نگین، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸ش.
۲۹. ملکی راد، محمود، کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ش.
۳۰. نیلی پور، مهدی، *انتظار و وظایف منتظران*، چاپ پنجم، انتشارات مرغ سلیمان، ۱۳۸۸ش.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ترجمه: جواد غفاری، تهران، کتابخانه صدوق، بازارسرای اردیبهشت، ۱۳۶۳ش.